

## فرزندان وعده



### بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: رومیان باب ۹.

**آیه حفظی:** «بنابراین هر که را می‌خواهد رحم می‌کند و هر که را می‌خواهد سنگدل می‌سازد» (رومیان باب ۹ آیه ۱۸).

«چنانکه مکتوب است: یعقوب را دوست داشتم اما عیسو را دشمن... زیرا به موسی می‌گوید: رحم خواهم فرمود... و رأفت خواهم نمود بر هر که رأفت نمایم» (رومیان باب ۹ آیات ۱۳ و ۱۵). پولس در اینجا درباره چه چیزی صحبت می‌کند؟ اراده آزاد انسان و آزادی انتخاب که بدون آنها، تنها کمی از آنچه ما باور داریم معنی پیدا می‌کند، چطور؟ آیا ما در انتخاب یا انکار خدا آزاد نیستیم؟ یا اینکه آیا این آیات چنین تعلیم می‌دهند که بعضی از افراد انتخاب شده‌اند که نجات یابند و سایرین نابود شوند، صرف نظر از انتخاب‌های شخصی ایشان؟ بطور معمول، پاسخ با نگاه کردن به تصویر بزرگتری از آنچه که پولس می‌گوید، یافت می‌شود. پولس یک مسیر استدلال را دنبال می‌کند که موجب آن تلاش میکند تا نشان دهد که حق خدا مافوق انتخاب کسانی است که اراده نموده تا ایشان را به عنوان افراد «برگزیده» خود بکار گیرد. گذشته از هر چیز، خدا کسی است که مسئولیت نهایی بشارت جهان را بدوش می‌کشد. بنابراین، چرا او نمی‌تواند هر کسی را که مایل است به عنوان نماینده خود انتخاب کند؟ پس تا زمانی که خدا کسی را از فرصت نجات حذف نکند، چنین کاری از طرف خدا در تضاد با اصول آزادی اراده نمی‌باشد. حتی مهمتر اینکه با حقیقت بزرگی که مسیح برای همه بشریت مُرد و تمایلش این بود که همه نجات یابند، در تقابل نیست. تا زمانی که بیاد داشته باشیم که باب ۹ رومیان مربوط به نجات شخصی افرادی که از ایشان نام می‌برد نیست بلکه به فراخوانده شدن آنها به انجام کاری خاص اشاره دارد، این فصل مشکلی ارائه نمی‌دهد.

## بار مسئولیت پولس

«ولی شما برای من اُمَّت مقدّس و خادمان من خواهید بود.» (خروج باب ۱۹ آیه ۶).

خدا به افرادی مَبْلُغ نیاز داشت تا به جهان فرو رفته در منجلاب بت پرستی، تاریکی و الحاد بشارت دهد. او بنی اسرائیل را برگزید و خود را به ایشان آشکار نمود. او برنامه ریزی کرده بود تا آنها به قومی نمونه و الگو برای قومهای دیگر تبدیل شوند و در نتیجه دیگران را به خدای حقیقی جذب کنند. این هدف خدا بود که با آشکار نمودن شخصیت خود از طریق اسرائیل، جهان به سمت او جذب شود. مسیح قرار بود از طریق آموزه های آیین های وابسته به مراسم قربانی، در برابر ملت ها متعال شود و تمام کسانی که از او پیروی کنند، زنده بمانند. در حینیکه که بر جمعیت قوم بنی اسرائیل افزوده می شد، و برکاتشان رشد نمود، آنها باید مرزهای خود را توسعه می دادند که پادشاهی ایشان جهان را در برگیرد.

رومیان باب ۹ آیات ۱ تا ۱۲ را بخوانید. پولس در اینجا درباره وفاداری خدا در خلال عدم موفقیت بشر، به چه نکته ای اشاره می کند؟

پولس یک استدلال ایجاد می کند که بواسطه آن نشان خواهد داد که عهد وعده داده شده به اسرائیل بطور کامل باشکست مواجه نشد. در اینجا باقیماندگان خدا وجود دارند که خداوند از طریق ایشان همچنان کار خود را بسوی هدف به پیش میبرد. پولس برای اثبات اعتبار ایده باقیماندگان خدا، به تاریخ قوم بنی اسرائیل باز می گردد. او نشان می دهد که خدا همیشه انتخابگر بوده است: (۱) خدا تمامی ذریت ابراهیم را برای عهد خود انتخاب نکرد بلکه فقط از نسل اسحاق برگزید. (۲) او همه نسل اسحاق را انتخاب نکرد بلکه فقط کسانی که به یعقوب منتسب بودند را برگزید.

این نیز مهم است ببینیم که میراث یا تبار، رستگاری و نجات را تضمین نمی کند. شما ممکن است از خون درست، خانواده درست و یا حتی کلیسای بر حق باشید اما همچنان در سیر گمگشتگان و به دور از وعده داده شده باشید. این ایمان است، ایمانی که با محبت کار می کند و کسانی که «فرزندان وعده» (رومیان باب ۹ آیه ۸) هستند را آشکار می سازد.

به رومیان باب ۹ آیه ۶ توجه کنید: «زیرا همه که از اسرائیل اند، اسرائیلی نیستند.» ما به عنوان باورمندان کلیسای ادونتیست که به روش های زیادی،

نقش یکسانی در زمان خود با بنی اسرائیل کهن در آن زمان ایفا می کنیم، چه پیام مهمی می توانیم برای خود از این آیه بیابیم؟

## دوشنبه

### انتخاب شده

«بدو گفته شد که بزرگتر، کوچکتر را بندگی خواهد نمود. چنانکه مکتوب است: یعقوب را دوست داشتم اما عیسو را دشمن» (رومیان باب ۹ آیات ۱۲ و ۱۳).

همانگونه که در مقدمه دروس این هفته بیان شد، درک باب ۹ رومیان دشوار خواهد بود مگر آنکه تشخیص بدهیم که پولس در مورد نجات فردی سخن نمی گوید. او در اینجا از نقش های خاصی سخن می گوید که خدا افراد خاصی را برای انجام آنها فرا می خواند. خدا می خواست که یعقوب جدّ افرادی باشد که ماموریت بشارت خاص او در جهان را بر عهده داشتند. در این آیات هیچ دلالتی بر اینکه عیسو نمی توانست نجات یابد، وجود ندارد. خدا می خواست که او نیز مانند سایر انسان ها نجات پیدا کند.

رومیان باب ۹ آیات ۱۴ و ۱۵ را بخوانید. در زمینه آنچه که خوانده ایم، این آیات را چگونه درک می کنیم؟

بار دیگر پولس از نجات فردی سخن نمی گوید، چرا که در آن ناحیه، خداوند ابر رحمت خویش را بر همگان می گستراند، زیرا او «می خواهد جمیع مردم نجات یابند» (اول تیموتائوس باب ۲ آیه ۴). «زیرا که فیض خدا که برای همه مردم نجات بخش است، ظاهر شده» (تیتوس باب ۲ آیه ۱۱). اما خدا می تواند انتخاب کند که ملت ها نقش ایفا کنند، و اگر چه آنها می توانند از ایفای این نقش ها خودداری کنند، می توانند از انتخاب خدا جلوگیری کنند. مهم نیست که عیسو تا چه حد خواستار آن بود، اما نمی توانست به پدر مسیح موعود تبدیل شود و از قوم انتخاب شده باشد.

در خاتمه، این انتخابی دلخواه از جانب خدا یا فرمانی الهی بود که موجب آن عیسو از زمره بشارت دهندگان به رستگاری حذف شود. هدایای فیض او از طریق مسیح برای همه رایگان می باشند. همه ما انتخاب شده ایم که نجات یابیم و نه اینکه از بین برویم (افسیسیان باب ۱ آیات ۴ و ۵؛ دوم پطرس باب ۱ آیه ۱۰). این انتخاب های خود ما و نه خداست که ما را از وعده زندگی ابدی در مسیح باز می دارد. عیسی برای همه انسان ها

مرد. با این وجود، خدا در کلامش شرایطی را تعیین کرده است که بر اساس آنها افراد برای زندگی ابدی انتخاب خواهند شد - ایمان به مسیح که گناهکار عادل شمرده شده را به عدالت هدایت می کند.

فرض کنید که هیچ کس اصلاً وجود نداشته است، خود شما، پیش از بنیان گزاری جهان، برای رستگار شدن انتخاب شده اید. این شماست که فراخوانده شده اید، این شماست که برگزیده شده اید، همه چیز بواسطه عیسی از جانب خدا به شما عطا شده است. چه افتخار و چه امیدی! با در نظر گرفتن همه چیز، چرا همه چیز در مقایسه با این وعده بزرگ رنگ می بازد؟ چرا اجازه دادن به گناه نفس و جسم در دور نمودن شما از همه آنچه که در عیسی به شما وعده داده شده است، بزرگترین مصیبت ها می باشد؟

۵ دسامبر

سه شنبه

## اسرار

«زیرا خداوند می گوید که افکار من افکار شما نیست و طریق های شما طریق های من نی. زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است همچنان طریق های من از طریق های شما و افکار من از افکار شما بلندتر می باشد» (اشعیا باب ۵۵ آیات ۸ و ۹).

رومیان باب ۹ آیات ۱۷ تا ۲۴ را بخوانید. با در نظر گرفتن آنچه تاکنون خوانده ایم، چگونه باید منظور پولس در اینجا را درک کنیم؟

خدا با نوع برخوردی که با زمامداران مصر در زمان خروج داشت، در حال تلاش برای رستگار شدن نژاد بشری بود. مکاشفه خدا از خود، در بلایایی که بر مصر فرود آمد و برای رهایی قوم خویش طوری طرح شده بود تا به مصریان هویدا شود و همچنین برای قوم های دیگر نشان داده شود که خدای اسرائیل در واقع خدای حقیقی است. برنامه این بود که دعوتی برای مردم اقوام باشد تا خدایان جعلی یعنی بتها را رها کرده و برای عبادت خدای حقیقی روی آورند.

بطور واضح فرعون پیش از آن، چنین انتخاب کرده بود تا بر علیه خدا باشد، بطوری که حتی با وجود سنگدلی، خدا فرصت نجات را از وی نگرفت. سر سختی بر خلاف درخواستی در نظر گرفته شده بود تا نگذارد که قوم بنی اسرائیل اجازه خروج یابد و بر خلاف در

خواست خدا از فرعون نبود تا نجات و رستگاری شخصی را بپذیرد. مسیح به همان میزان که برای موسی، هارون و سایر فرزندان قوم اسرائیل مُرد، برای فرعون نیز مُرد. نکته بسیار مهم در همه این‌ها، این است که ما به عنوان انسان‌های گمراه چنین دیدگاه کوته نظرانه‌ای از جهان، واقعیت و خدا و نحوه کارش در جهان داریم. چگونه می‌توانیم انتظار داشته باشیم تمام روشهای خدا را درک کنیم در حالی که جهان طبیعت و هر جایی که سر خود را می‌چرخانیم، اسراری نهفته است که برای ما غیر قابل درک می‌باشد؟ گذشته از هر چیز، پزشکان تنها در ۱۷۱ سال گذشته دریافتند که شستن دستان پیش از انجام عمل جراحی می‌تواند ایده خوبی باشد! ما این چنین غرق در جهل بوده ایم. و چه کسی می‌داند که اگر زمان باقی بماند، چه چیزهای دیگری در آینده کشف خواهیم نمود که میزان جهالت امروزه ما را آشکار خواهد نمود؟

بدیهی است که ما همیشه راه‌های خدا را درک نمی‌کنیم، اما عیسی آمد تا ماهیت خدا را برای ما آشکار سازد (یوحنا باب ۱۴ آیه ۹). پس چرا در میان تمام اسرار و وقایع غیر منتظره زندگی، تأمل در شخصیت مسیح و آنچه درباره خدا و محبتش برای ما، آشکار نموده است، بسیار مهم می‌باشد؟ دانستن شخصیت خدا چگونه می‌تواند به ما در وفادار ماندن در میان مشکلاتی که ناعادلانه و غیر قابل توجیه به نظر می‌رسند، کمک کند؟

۶ دسامبر

چهارشنبه

## عَمِّي لِإِبْرَئِيْلَ : «قوم من»

[واژه‌آمی را در زبان عربی را در نظر بگیرید که به همین معنی قوم یا امت من می‌باشد. ویراستار]

پولس در رومیان باب ۹ آیه ۲۵ از هوشع باب ۲ آیه ۲۳، و در رومیان باب ۹ آیه ۲۶ از هوشع باب ۱ آیه ۱۰ نقل قول می‌کند. پیش زمینه داستان این است که خدا به هوشع دستور داد که «زنی فاحشه» (هوشع باب ۱ آیه ۲) به عنوان تصویری از رابطه خدا با اسرائیل را در نظر بگیرد، زیرا این قوم بدنبال خدایانی بیگانه رفته بودند. به فرزندان متولد شده از این ازدواج نام‌هایی داده شد مبنی بر اینکه خدا را طرد کرده اند و بخاطر بت پرستی بنی اسرائیل مجازات شده اند. فرزند سوم لوعمی نام گرفت (هوشع باب ۱ آیه ۹) یعنی «از قوم من نیستید».

با این وجود، هوشع در میان همه اینها، پیش بینی نمود که روزی خواهد آمد که خدا پس از مجازات قوم خود، خوشبختی را برای آنها احیا نماید، خدایان دروغین آنان را از بین خواهد برد و با آن‌ها عهدی خواهد بست. (هوشع باب ۲ آیات ۱۱ تا ۱۹ را ببینید). در این زمان کسانی که لوعمی، «قوم من نیستید» به عَمِّي، «قوم من» تبدیل خواهند شد.

در زمان پولس، عمّی‌ها «حتی‌ما... نه فقط از قوم یهود، بلکه از غیریهودیان» (رومیان باب ۹ آیه ۲۴) بودند. چه جلوه روشن و قدرتمندی از انجیل، انجیلی که از ابتدا برای تمام جهان مقدر شده بود. جای تعجب نیست که ما ادونتیست‌ها در فراخوانده شدن خویش که در مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۶ بدان اشاره شده شرکت می‌کنیم: «و فرشته‌ای دیگر را دیدم که در وسط آسمان پرواز می‌کند و انجیل جاودانی را دارد تا ساکنان زمین را از هر امت و قبیله و زبان و قوم بشارت دهد». امروزه نیز مانند زمان پولس و همچنین زمان اسرائیل کهن، مژده خوب نجات باید در سرتاسر جهان گسترش یابد.

رومیان باب ۹ آیات ۲۵ تا ۲۹ را بخوانید. به این نکته توجه کنید که پولس برای رساندن منظورش در مورد چیزهایی که در آن زمان اتفاق می‌افتاد از عهد قدیم نقل قول می‌کند. پیام اصلی این آیات چیست؟ به خوانندگان او چه امیدی ارائه شده است؟

این واقعیت که برخی از خویشاوندان پولس درخواست انجیل را رد کرده اند، «غمی سنگین و دل‌تنگی بی پایان» (رومیان باب ۹ آیه ۲) به او دست داد. اما دست کم یک بازمانده وجود داشت. وعده‌های خدا حتی زمانی که بشر شکست می‌خورد، ناموفق نخواهند بود. امیدی که ما می‌توانیم داشته باشیم این است که در انتها، وعده‌های خدا تحقق خواهند یافت و در صورتی که ما آن وعده‌ها را برای خود مطالبه کنیم، در ما نیز تحقق خواهند یافت.

دیگران چه زمان‌هایی در گذشته شما را مایوس کرده‌اند؟ هر چند وقت یکبار شما باعث نومیدی خود و دیگران شدید؟ احتمالاً بیشتر از آنچه که بتوانید بشمارید، آیا چنین نمی‌باشد؟ از این شکست‌ها درباره اینکه اطمینان نهایی شما به چه کسی باید باشد، چه درس‌هایی می‌توانید بیاموزید؟

۷ دسامبر

پنجشنبه

## لغزش

«پس چه بگوییم؟ باید بگوییم که ملت‌های غیر یهود که برای به دست آوردن نیکی مطلق کوشش نکردند از راه ایمان آن را به دست آوردند، حال آنکه قوم اسرائیل که پیوسته جویای شریعتی بودند تا به وسیله آن نیک محسوب شوند آن را نیافتند. چرا؟ به علت اینکه کوشش‌های ایشان از روی ایمان نبود بلکه در اثر اعمال خودشان بود. به این ترتیب آنها از همان سنگی لغزش خوردند» (رومیان باب ۹ آیات ۳۰ تا ۳۲). پیام در اینجا چیست و مهم‌تر

اینکه چگونه می‌توانیم این پیامی را که در مکان و زمانی خاص نوشته شده بود، بعنوان اصول اعتقادی زمان حال بکار بریم؟ چگونه می‌توانیم از ارتکاب اشتباهاتی که اسرائیل در آن زمان انجام داد، در زمان کنونی جلوگیری کنیم؟

پولس با کلماتی که امکان سوء تعبیر آنها وجود ندارد و شفاف است، به خویشاوندان خود توضیح می‌دهد که چرا از برخی چیزهایی که خدا برای ایشان آرزو دارد برخوردار نیستند - و بیشتر از آن اینکه چیزی که آنها به دنبالش بودند اما بدست نمی‌آوردند. جالب توجه این که غیر یهودیانی که خدا ایشان را پذیرفته بود، برای چنین پذیرشی تلاش نکرده بودند. آنها علایق و آرزوهای خود را زمانی که مژده انجیل به ایشان رسید، دنبال می‌کردند. آنها با درک ارزش آن، این مژده را پذیرفتند. خدا آنها را عادل اعلام نمود زیرا ایشان عیسی مسیح را به عنوان جایگزین خود پذیرفتند. این یک معامله ایمان بود. مشکل بنی اسرائیل این بود که آنها بر سنگی لغزش خوردند (رومیان باب ۹ آیه ۳۳ را ببینید). برخی و نه همه (اعمال رسولان باب ۲ آیه ۴۱ را ببینید). آنان از پذیرفتن عیسی ناصری به عنوان مسیح موعودی که خدا فرستاده بود، سرباز زدند. او انتظارات ایشان از مسیح موعود را برآورده نمی‌کرد؛ از این رو، هنگامی که او آمد ایشان از وی روی برگرداندند. پولس پیش از پایان این فصل، آیه دیگری از عهد قدیم نقل قول می‌کند: «که کلام خدا به آن اشاره می‌کند: «ببین در صهیون سنگی قرار می‌دهم که موجب لغزش مردم خواهد شد، صخره‌ای که از روی آن خواهند افتاد ولی هر کس به او ایمان آورد خجل نخواهد شد» (رومیان باب ۹ آیه ۳۳). پولس در این آیه بار دیگر نشان می‌دهد که ایمان واقعی تا چه میزان در نقشه نجات مهم می‌باشد (اول پطرس باب ۲ آیات ۶ تا ۸ را نیز ببینید). سنگی برای لغزش؟ و با این وجود هر کس به او ایمان داشته باشد شرمنده نخواهد شد؟ آری، عیسی برای بسیاری صخره لغزش است اما برای کسانی که او را می‌شناسند و دوست دارند، او صخره دیگری می‌باشد، «صخره نجات من» (مزامیر باب ۸۹ آیه ۲۶).

آیا شما تا کنون عیسی را مانع یا سنگ لغزش یافته‌اید؟ اگر پاسختان مثبت است چرا؟ یعنی، چه کاری انجام می‌دادید که شما را به این وضعیت کشاند؟ چگونه از آن خارج شدید و چه چیزی آموختید که امیدوار باشید هرگز خود را در چنین رابطه متضادی با عیسی نبینید؟

Read Ellen G. White, "Later English Reformers" pp. 261, 262, in *The Great Controversy*; "Faith and Works," pp. 530, 531, in *The SDA Encyclopedia*; Ellen G. White Comments, pp. 1099, 1100, in *The SDA Bible Commentary*, vol. 1.

«یک انتخاب فردی و مردمی وجود دارد، تنها انتخاب موجود در کلام خدا، که انسان برای نجات یافتن انتخاب می شود. بسیاری به پایان نگاه کرده اند و با خود اندیشیده اند که مطمئناً برای داشتن سعادت آسمانی انتخاب شده اند؛ اما این انتخابی نیست که کتاب مقدس آشکار می سازد. فرد انتخاب می شود که برای نجات خود با ترس و لرز تلاش کند. او انتخاب می شود تا زرهی بپوشد، و برای ایمان بجنگد. او انتخاب می شود تا از وسیله هایی که خدا در دسترس وی گذاشته است، برای جنگیدن علیه هر شهوت نا مقدسی مبارزه کند، در حالی که شیطان در زندگی او بازی میکند تا جان او را بگیرد. او انتخاب شده است که به دعا روی آورد، در کتاب مقدس جستجو نماید و از تن دادن به وسوسه پرهیز نماید. او انتخاب شده است تا بطور مداوم ایمان داشته باشد. او انتخاب شده است که مطیع همه سخنانی باشد که پیش از این، از جانب خدا آمده است تا او نه تنها یک شنونده بلکه یک عمل کننده به کلام باشد. این انتخاب کتاب مقدس است.»

- الن جی. وایت، برگرفته از مرجع زیر:

*Testimonies to Ministers and Gospel Workers*, pp. 453, 454.

«هیچ ذهن محدودی نمی تواند بطور کامل شخصیت یا کارهای خدای لایتناهی را درک کند. ما نمی توانیم با جستجو کردن خدا را پیدا کنیم. این موجود مقدس باید برای قویترین و پرورش یافته ترین و آموخته ترین ذهن ها و همچنین ضعیفترین و نادان ترین آنها بصورت یک راز باقی بماند. اگر چه «ابرها و تاریکی او را احاطه کرده اند، سلطنت او بر عدالت و انصاف استوار است» مزامیر باب ۹۷ آیه ۲. تا کنون می توانیم رفتار او را با خود اینطور بفهمیم همانگونه که تشخیص میدهیم رحمت بیکران را که به قدرت لایتناهی پیوسته است. فهم و درک ما از اهداف او به اندازه شعور و معرفت ما از اوست؛ فرا تر از این را همچنان باید اعتماد به دستی داشته باشیم که قادر مطلق است و قلبی که سرشار از محبت است.» - الن جی. وایت، از مرجع فوق: *Education*, p. 169

## سوالاتی برای بحث

۱. بعضی از مسیحیان چنین تعلیم می دهند که حتی پیش از دنیا آمدن ما، خدا برخی را انتخاب نمود که نجات یابند یا برخی دیگر از بین بروند. اگر شما اتفاقاً جز آن دسته بودید که خدا در محبت و حکمت بی نهایتش مقدر ساخته بود از بین بروید، دیگر صرف نظر از انتخاب هایتان محکوم به تباهی بودید - که بسیاری از مردم بر این باورند که به معنی سوختن در آتش جهنم تا ابدیت می باشد. به عبارت دیگر، برخی بدون بستگی به انتخاب هایشان و تنها از طریق مشیت خدا، مقدر شدند در این جهان بدون رابطه نجات دهنده با عیسی زندگی کنند، تا اینکه



در زندگی بعدی خود در آتش جهنم بسوزند. چه اشتباهی در مورد این تصویر وجود دارد؟ این دیدگاه چگونه با درک ما از چنین مسائلی مشابهی در تضاد می باشد؟

۲. شما چگونه نقش کلیسای ادونتیست روز هفتم و فراخوانده شدن وی را در جهان امروزه، با نقش اسرائیل کهن در آن زمان مشابه می دانید؟ شباهت ها و تفاوت های این دو کدامند؟ به چه روش هایی ما بهتر عمل می کنیم؟ یا بدتر عمل می کنیم؟ پاسخ های خود را توضیح دهید.